عوامل مؤثر در ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان

چکیده

ما در سراسر جهان شاهد رشد روزافزون دانش و تکنولوژی هستیم. همگام کردن کودکان با جهان متحول امروزی برای داشتن انسان‌های آگاه و مطلع از ضروریات است زیرا آگاه نبودن و بی‌اطلاعی موجب سردرگمی و عقب‌ماندگی خواهد شد و برای رسیدن به تحولات عظیم فرهنگی همیشه باید از نقطه آغازین گام برداشت. به منظور ایجاد فرهنگ مطالعه در بین کودکان باید مجموعه عواملی که باعث ایجاد علاقه به مطالعه و کتاب‌خوانی می‌شوند را شناخت و با ارائه راه‌حل‌های مناسب در حل مشکل تلاش کرد. در این مقاله در ابتدا عوامل بازدارنده کودکان از مطالعه ذکر می‌شود و بعدازآن به عوامل تقویت‌کننده در مطالعه کودکان پرداخته می‌شود. هدف از این مقاله این است که به خواندن و مطالعه از دوران کودکی توجه ویژه‌ای شود که در نهایت سبب ایجاد جامعه‌ای با فرهنگ مطالعه بالا می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مطالعه، کودکان، کتاب‌خوانی

lib2mag.ir

مقدمه

مطالعه از باب مفاعله است و فرد با بهره جستن از آن به روشنی درونی دست می‌یابد، همان‌گونه که خورشید طلوع می‌کند و صبح روشن را مژده می‌دهد. در معنا و مفهوم مطالعه در فرهنگ عمید چنین آمده است: اطلاع یافتن از چیزی با ادامه‌ی نظر در آن، خواندن کتاب یا نوشته دیگر و دقت کردن در آن (اشرفی ریزی، ۱۳۸۳). مطالعه راهی برای شناخت جهان علم و معرفت بشری است. امروزه مطالعه از شاخص‌های رشد و توسعه هر ملتی محسوب شده و میزان گرایش افراد به مطالعه نقش مهمی در پیشرفت و توسعه جامعه دارد (نادری، ۱۳۸۹). خواندن و مطالعه بیشتر، یکی از بزرگ‌ترین هدف‌هایی است که بیشتر مردم آرزویش را دارند و برای آن تلاش می‌کنند؛ و این نکته واقعاً درست است که می‌گویند یک کتاب خوب می‌تواند بیش از اندازه خودش، خرسندکننده و پاسخگوی نیازهای ما باشد. کتاب خوب می‌تواند درباره هر چیزی در فراسوی افق دید روزمره تو به تو آگاهی بدهد و می‌تواند شخصیت‌هایی را در برابر تو تصویر و تجسم کند، چنان که احساس می‌کنی همین الآن در برابر تو زنده ایستاده‌اند و تو آن‌ها را در عالم واقعیت بسیار دیده و می‌شناسی. خواندن مهم‌ترین مهارتی است که در سال‌های اولیه مدرسه حاصل می‌شود و تأثیر آن در طول زندگی انسان باقی می‌ماند. محمدعلی شامانی، معاون دفتر انتشارات کمک‌آموزشی، مطالعه را پی‌جویی حقیقت و کلید ورود به دنیایی تازه می‌داند. شامانی می‌گوید: هر نوع تلاشی که ما را به فهمیدن و درک درست وادار کند مطالعه است. در واقع مطالعه یعنی اطلاع حاصل کردن؛ اما وقتی صحبت از مطالعه می‌شود معمولاً شکل سنتی آن‌که کتاب خواندن است به ذهن خطور می‌کند درحالی‌که استفاده از کتاب تنها یکی از شیوه‌های مطالعه است (پدرام، ۱۳۸۳).

از میزان کتاب‌خوان‌ها، نحوه کتاب‌خوانی، تعداد کتابخانه‌های عمومی، تعداد کتاب‌های به چاپ رسیده، میزان کتاب خریداری شده توسط مردم و زمانی که صرف مطالعه می‌شود می‌توان پی برد که فرهنگ مطالعه در آن کشور در چه جایگاهی قرار دارد و از این طریق مسیر و جهت رشد و توسعه و یا افول ملتی را می‌توان مشاهده کرد (کازهی، ۱۳۸۶).

بدون شک یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی، کودکی است؛ دورانی که شخصیت پایه‌ریزی و شکل می‌گیرد. در این دوران خواندن نخستین سنگ‌پایه زندگی اجتماعی کودک است. با خواندن کتاب و گفتگو پیرامون آن، کودک تجربیاتی کسب می‌کند. او یاد می‌گیرد چگونه سخن بگوید، چگونه نظرش را بیان کند، چگونه به نظر دیگران احترام بگذارد و چگونه بنویسد (شرفی، ۱۳۹۱).

ما در سراسر جهان شاهد رشد روزافزون دانش و تکنولوژی هستیم. همگام کردن کودکان با جهان متحول امروزی برای داشتن انسان‌های آگاه و مطلع از ضروریات است زیرا آگاه نبودن و بی‌اطلاعی موجب سردرگمی و عقب‌ماندگی خواهد شد و برای رسیدن به تحولات عظیم فرهنگی همیشه باید از نقطه آغازین گام برداشت (رحمانی، ۱۳۸۶).

صاحب‌نظران برای شاخص اعتقاد به «نیاز به مطالعه از کودکی تا بزرگسالی» اهمیت زیادی قائل شدند و برای تقویت چنین باوری راهکارهای ذیل را پیشنهاد کردند. از جمله تقویت احساس نیاز به خود شکوفایی در جامعه، آگاهی بخشی به جامعه

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

در خصوص اثرات مطالعه در زندگی فردی و اجتماعی، تأکید سخنرانان و رهبران اجتماعی در خصوص اهمیت کتاب‌خوانی، بالا بردن منزلت اجتماعی اهل مطالعه و احترام و اکرام دانشمندان به‌عنوان اصحاب مطالعه. برای اینکه فرهنگ مطالعه در جامعه گسترش پیدا کند ابتدا باید فرهنگ خواندن را در جامعه و بین کودکان و نوجوانان رواج دهیم و بعد فرهنگ مطالعه را. به نظر می‌رسد خواندن را باید از همان زمانی که برای کودک خود در زمان خوابش کتاب می‌خوانیم آغاز کنیم و به کودک خود یاد دهیم؛ و مطالعه را خود کودک زمانی که وارد مدرسه می‌شود خواه‌ناخواه، با علاقه یا بدون علاقه یاد خواهد گرفت؛ که اگر کودک از همان روزهای آغازین عمر خود با کتاب آشنا شده باشد مسلماً کتاب خواندن و مطالعه را دوست خواهد داشت.

عوامل بازدارنده کودکان از مطالعه

اگر چه دانش آموزان فعال‌ترین خوانندگان هستند، اما هیچ‌گونه تضمینی برای تداوم خواندن آن‌ها وجود ندارد (اسکارپیت، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹، نقل در قزل ایاغ، ص ۲۳، ۱۳۸۳). به همین خاطر وظیفه بزرگسالان و مربیان کودکان تنها ایجاد علاقه‌مندی در کودکان نیست، بلکه تلاش در تداوم این اشتیاق به خواندن و مطالعه نیز به اندازه ایجاد علاقه‌مندی مهم است. گاه عوامل بازدارنده‌ای وجود دارند که کودک را از ایجاد حس علاقه‌مندی به مطالعه باز می‌دارند و یا علاقه به وجود آمده را به بی‌میلی و گاهی نفرت از مطالعه تبدیل می‌کنند. عواملی که موجب بازدارندگی کودکان از مطالعه می‌شود شامل موارد زیر است:

کیفیت منابع چاپی:

یکی از موانع جدی در مطالعه به ویژه در کودکان، بی‌کیفیتی منابع چاپی است که برای آن‌ها تهیه می‌شود. بدیهی است که خواندن موظف و داوطلبانه، امری است که شرایط خاص خود را طلب می‌کند. یکی از شرایط، داشتن محتوای با کیفیت است که نوعی کشش و علاقه‌مندی را در خواننده خود ایجاد می‌کند. این کشش و جاذبه در منابع چاپی زمانی بیشتر جلوه‌گر می‌شود که مخاطبان آن کودکانی باشند که در منابع مورد مطالعه، به دنبال پاسخ سؤالات ذهنی خود باشند و در کنار این حس پرسشگری، خواهان کمترین زحمت برای رسیدن به پاسخ سؤالات خود هستند. علاقه‌مندی آن‌ها برای درک مطالب از طریق تصویر، موجب می‌شود تا بیشتر حجم کتاب‌های کودکان از تصاویر تشکیل شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که نداشتن تصاویر جالب و جذاب و همچنین وجود ممیزی در کتاب‌های کودکان می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده‌ای در مطالعه و کتاب‌خوانی به شمار آید (همان، ص ۲۹)

عدم توجه به کتابخانه‌های مدارس:

در دنیای امروز که دسترسی به کتابخانه‌های دیجیتال و مبتنی بر وب کتابخانه‌های استاندارد و دارای منابع مناسب برای کودکان به عنوان زیرساخت لازم برای فرهنگ‌سازی در نظام آموزشی به شمار می‌آید، دیگر بحث در مورد وجود کتابخانه تنها تکرار مکررات است. پس بی‌توجهی به کتابخانه‌های مدارس باعث بی‌توجهی کودکان و نوجوانان به مطالعه و خواندن و کتاب خواهد شد.

نبود کتابدار متخصص در کتابخانه:

نداشتن کتابدار متخصص در کتابخانه‌های مدارس، استفاده از دانش آموزان به‌عنوان متصدی کتابخانه در ساعت‌های آزاد و سپردن مسئولیت اداره کتابخانه به‌صورت پاره‌وقت به یکی از مربیان مدرسه که در بخش‌های دیگر کارایی ندارد، به معنی بی‌توجهی به مسئله مطالعه و کتاب‌خوانی در مدارس است. در جایی که مطالعه و فرهنگ کتاب‌خوانی کم‌اهمیت فرض می‌شود، چگونه می‌توان از رشد سواد و گسترش فرهنگ مطالعه صحبت کرد؟

نداشتن الگوی مناسب در خانواده:

فرهنگ پذیری از اطرافیان در دوران کودکی پایه و اساس شکل‌گیری شخصیت او است. شخصیت کودک مانند ماده خامی است که قدرت شکل‌پذیری در هر قالبی را دارد. وجود الگوی مناسب در محیط زندگی و مدرسه می‌تواند در شکل‌گیری قالب شخصیتی کودک بسیار مؤثر باشد. کودک در خانواده از والدین خود و در مدرسه از معلم و دوستان خود بیشترین تأثیرپذیری را دارد و چنانچه اعضای خانواده در طی روز مدت‌زمانی را به مطالعه بپردازند و یا با خواندن کتاب‌های موردعلاقه کودک صرف کنند، در علاقه‌مند کردن او به مطالعه و کتاب‌خوانی گام مؤثری را برداشته‌اند.

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

جایگزینی رسانه‌های تصویری به جای کتاب:

تردیدی نیست که در عصر ارتباطات و رسانه‌های الکترونیکی نمی‌توان از کودکان انتظار داشت به‌اندازه نسل‌های گذشته خود را مقید به کتاب و مطالب چاپی نمایند. از طرفی، هنوز وجود کتاب به‌عنوان رسانه‌ای فراگیر و ارزن در آموزش کودکان و نوجوانان ضرورتی انکارناپذیر است. حضور کتاب‌های چاپی در کلاس‌های درس در کنار وسایل و آموزش‌های الکترونیکی و مبتنی بر وب هنوز جایگاه این رسانه را در آموزش و در بین کودکان حفظ کرده است. متأسفانه در قبال حضور رسانه‌های الکترونیکی، نگرش‌های افراطی وجود دارد که استفاده از این تجربیات نوظهور را بسیار زودتر از آنچه تصور شود به صورت یک فرهنگ اجتماعی درآورده است. آنچه در بین خانواده‌ها و یا حداقل تجربیات روزمره خودمان به چشم می‌خورد، فرهنگ اشتباه تماشای تلویزیون و یا فیلم‌های کارتونی است که توسط والدین برای سرگرم کردن کودک و به قولی راحت شدن از سؤالات مکرر او رسیدن به آسودگی خیالی است که در خانواده‌های امروزی به چشم می‌خورد. پدر و مادری که بخش اعظم وقت خود را صرف کار کرده‌اند دیگر انرژی جهت سرگرم سازی کودک با کتاب و مطالعه ندارند و ترجیح می‌دهند که کودک خود را با برنامه‌های تلویزیونی سرگرم کنند. البته استفاده از این رسانه‌ها جز لاینفک نظام آموزشی نوین به شمار می‌آیند، اما باید توجه داشت که تمام‌وقت کودک نباید صرف تماشای تلویزیون شود و از عادت به مطالعه و کتاب‌خوانی غفلت شود (بیرانوند، ۱۳۸۷).

عوامل ایجادکننده علاقه به مطالعه در کودکان

نهادهای متعددی وجود دارد که می‌تواند یک جامعه را جامعه‌ای کتاب‌خوان یا گریزان از کتاب بار بیاورد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. واضح است که اولین و مهم‌ترین نهاد خانواده است. اگر پدر و مادری عادت به مطالعه داشته باشند و کودک ببیند که آنان کتاب می‌خوانند او نیز خیلی زود با کتاب آشنا می‌شود و به تقلید از والدین خود، کتاب را دست می‌گیرد. پس با دیدن کتاب‌های تصویری به تدریج به‌سوی کتاب جلب می‌شود. مطالعه با جمع خانواده فرصت گفتگو و نزدیک شدن به هم را فراهم می‌آورد. بهتر است والدین امکان پیاده کردن طرح خواندن با خانواده را به وجود آورند.

نهاد دوم مدرسه است. مدرسه عامل مهمی است که باعث علاقه‌مند شدن یا منزجر شدن کودک از مطالعه و کتاب می‌شود. وقتی معلم کودک را مجبور به خواندن درس می‌کند و درصورتی‌که کودک نتواند پاسخگوی سؤالات درسی باشد تنبیه می‌شود بدون شک که کودک از کتاب متنفر خواهد شد. معلم باید یک رابطه دوستانه بین خود کتاب و کودک ایجاد کند. تا کودک با اشتیاق کتاب‌های درسی خود و حتی مطالبی را از سایر کتاب‌ها در مورد درس خود مطالعه کند. اگر دانش‌آموز در مدرسه با کتاب آشنا شد و لذت مطالعه خودآموزی و افزایش معلومات عمومی را درک کرد و به مطالعه خو گرفت در تمام دوران زندگی از کتاب دست نمی‌کشد. نظام آموزشی مهم‌ترین عامل در توسعه و یا در عدم توسعه در جوامع به حساب می‌آید؛ و برنامه‌های مطالعه آزاد و جانبی باید در مدارس به‌گونه‌ای باشد که امکانات تحقیق برای دانش آموزان را فراهم آورد. دانش‌آموزانی که درسشان با تحقیق همراه است خودبه‌خود به سمت مطالعه کشیده می‌شوند؛ و در اینجا وجود کتابخانه‌های آموزشگاهی که کودکان را حمایت کند بسیار با اهمیت و خدمات آن ارزنده است و می‌تواند مؤثر باشد. نهاد سوم صداوسیما است. به ندرت فیلم یا برنامه‌ای ساخته می‌شود که در آن به کودک کتاب خواندن را آموزش دهند. فرهنگ‌سازی کمی از جانب صداوسیما در زمینه خواندن و مطالعه کردن صورت می‌گیرد. کتابخانه می‌تواند نقش اساسی در توسعه عادت به مطالعه در کودکان داشته باشد؛ زیرا همچون پناهگاه امن اجتماعی، در محیطی سالم، محتوای منابع و اطلاعات موردنیاز را به‌صورت نظام‌مند در اختیار کودکان قرار داده و با الگوسازی، عادت مطالعه را توسعه می‌دهد. توسعه کمی و کیفی کتابخانه‌ها، در توسعه عادت به مطالعه و ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان نقش بسزایی ایفا می‌کند. اما متأسفانه کتابخانه‌ها نیز نتوانسته‌اند نقش قابل‌توجه ای را در این زمینه بازی کنند. کتابخانه‌ها به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای ترویج کتاب‌خوانی تاکنون در محاق فراموشی قرار گرفته‌اند. طبیعی است که کتاب مفید و سازنده بسیار است و این تصور که کسی قادر به خریدن همه کتاب‌های مفید باشد تصوری اغراق‌آمیز است؛ بنابراین وجود کتابخانه‌های غنی و کارآمد برای دستیابی جامعه به مفیدترین تولیدات فرهنگی امری ضروری است که بی‌توجهی بدان نابخشودنی است. متأسفانه در کشور ما به کتابخانه‌ها آن‌گونه که شایسته است ارج‌گذاری و عنایت نشده. وجود تعداد اندک و انگشت‌شمار کتابخانه‌های غنی در سطح کشور و مهجور ماندن همین تعداد اندک از عوامل حتمی و قطعی بازدارنده در امر کتاب‌خوانی‌اند.

نتیجه‌گیری:

مطالعه به عنوان یک مهارت اجتماعی، نردبان ترقی و تکامل هر ملت است. بین مطالعه و رشد افراد در جوامع، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به بیان دیگر تنها راه پیشرفت هر فرد و جامعه‌ای، ارزش قائل شدن برای کتاب و کتاب‌خوانی است.

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

مطالعه می‌تواند نقش مؤثری به شکل مستقیم و غیرمستقیم، در کاهش اثر آفات اجتماعی داشته باشد. برای ایجاد فرهنگ مطالعه در جامعه باید در کودکان علاقه و اشتیاق به مطالعه ایجاد کنیم. برای تبدیل این علاقه به عادت باید از دوران طفولیت شروع کنیم. پایین بودن سطح مطالعه در کشور ما ناشی از ناآشنایی و عادت نداشتن به مطالعه از دوران کودکی است. ما می‌توانیم مطمئن باشیم چنانچه فرزندانمان از کودکی شوق به خواندن پیدا کنند و انگیزه مطالعه کردن در آنان به وجود آید و مطالعه کردن را جزئی از زندگی خود بدانند بدون شک در هر دوره از زندگی خود به هر طریق که شده مواد و مطالب موردنیاز را به دست آورده و مطالعه می‌کنند؛ بنابراین اگر عادت به مطالعه از کودکی در افراد شکل بگیرد در این صورت است که می‌توانیم جامعه‌ای بافرهنگ مطالعه بالا داشته باشیم.

منابع

1. اشرفی ریزی، حسن (۱۳۸۳). درآمدی بر مطالعه و نقش خدمات ویژه کتابخانه‌های عمومی در توسعه فرهنگ مطالعه. تهران: چاپار.
2. بیرانوند، علی (۱۳۸۷). مطالعه و کتاب‌خوانی در کودکان. مجله الکترونیکی ارتباط علمی، ۱۰(۳).
3. پدرام، نگار (۱۳۸۳). در جستجوی معنای مطالعه. کتاب ماه کودک و نوجوان، ص ۹-۶.
4. جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۹). مهارت‌های مطالعه در دانشگاه. تهران: ارجمند: کتاب ارجمند: نسل فردا.
5. حسینی، اسماعیل (۱۳۸۵). راه‌های ترویج فرهنگ مطالعه. در اولین همایش راه‌های ترویج فرهنگ مطالعه. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
6. دلجو، شریعت (۱۳۸۵). شیوه‌های یادگیری و مطالعه. تهران: سپهر سخن: چار.
7. رحمانی، بتول (۱۳۸۶). سیر ایجاد انگیزه فرهنگ مطالعه، مطالعه‌ی کودکان در سنی ۸ و ۹ سالگی. فرهنگ مطالعه، ۵۶-۵۴.
8. شرفی، علی (۱۳۹۱). نقش والدین در مطالعه و کتاب‌خوانی کودکان. ارتباط علمی.
9. غفاری، سعید (۱۳۸۱). فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی. پیام کتابخانه، ۱۲(۴۴ و ۴۵)، ۵۳-۵۱.
10. کازهی، حسین (۱۳۸۶). رویکردی بر فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی، موانع و راهکارهای ترویج آن در شهرستان بیرجند. مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۱۱۴-۹۹.
11. نادری، فاطمه (۱۳۸۹). مطالعه در عصر دیجیتال: از اندیشه‌های کنتون اوهارا تا زایمینگ لیو. تهران: چاپار.

نویسنده: لیلا جباری

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها):	لیلا جباری
عنوان مقاله:	عوامل مؤثر در ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان
عنوان مجله:	کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: 2.0 i-Kitbdr)
دوره مجله(Vol):	۵
شماره مجله(Issue):	۲
سال(Year):	۱۳۹۸
شناسه دیجیتال(DOI):	
لینک کوتاه:	http://lib2mag.ir/10185

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.